

ارزیابی ابعاد گوناگون دکترین‌های امنیتی - دفاعی روسیه

نویسنده: عبدالرسول دیوسالار^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۴

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۷/۲۳

صفحات مقاله: ۹-۴۳

چکیده

پس از فروپاشی شوروی سابق، روس‌ها در زمره اولین قدم‌ها، نگارش یک راهبرد همه‌جانبه و فراگیر را در دستور کار قرار دادند تا به کمک آن تکلیف کلیه عناصر ساختار قدرت کشور از جمله عناصر نظامی، سیاسی، اقتصادی، قانون‌گذاری، اطلاعاتی و غیره مشخص شود. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷، اولین سند «دکترین امنیت ملی» روسیه با امضای رئیس‌جمهور وقت، بوریس یلتسین، تصویب شد. از درون این سند اصلی چندین سند راهبردی و دکترین کوچک و بزرگ که تعیین‌کننده وظایف، اهداف و ساختار سازمان‌های مختلف است به دست آمد که سند «مفهوم سیاست خارجی» و «دکترین نظامی» روسیه دو نمونه از مهم‌ترین آنهاست.

* * * * *

کلید واژگان

محیط امنیتی، سند دکترین امنیت ملی، الگوی تدوین دکترین روسیه، راهبرد امنیت

ملی.

۱ - پژوهشگر موسسه‌ی تحقیقاتی و آموزشی صنایع دفاع.

مقدمه

دکترین به‌عنوان عالی‌ترین سند رسمی در روسیه، نقشی مؤثر در ارتقاء درک شرق‌شناسان و تحلیل‌گران امنیتی از دیدگاه‌های دفاعی - امنیتی روسیه دارد. در ادبیات شرقی دکترین نقش محوری در انتقال دیدگاه‌ها و باورهای رسمی نسبت به جنگ آینده و محیط امنیتی پیش‌رو دارد. در این رویکرد دکترین سندی محسوب می‌شود که می‌توان از طریق آن ماهیت محیط امنیتی آینده، ماهیت جنگ آینده، تهدیدات علیه روسیه و سیاست‌های دولت در مواجهه با این تهدیدات را شناخت. در مقاله حاضر، تلاش شده است ضمن ورود به مفاهیم دکترین و سابقه تاریخی اسناد دکترینی در روسیه، مهم‌ترین سندهای دکترین در روسیه کنونی از دوره‌ی فروپاشی شوروی تا کنون مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل دکترین‌های روسیه از دو منظر قابل توجه است؛ در نگاه اول، از آن‌جا که دکترین محصول ذهنیت‌های اجتماعی و سیاسی یک کشور و بیانگر جهان‌بینی و نوع نگرش کشور مزبور است، می‌تواند منبعی ارزشمند برای تحلیل منطقی‌های راهبردی و درک ماهیت جهت‌گیری‌های آن کشور باشد. اسناد دکترینی بخشی جداناپذیر در فرایند تحلیل محیط امنیتی پیرامونی است. از این منظر، دکترین روسیه به سبب اهمیت تاریخی و راهبردی که این کشور در سیاست‌های امنیتی - دفاعی جمهوری اسلامی دارد می‌باید مورد کنکاش و تحلیل دقیق قرار گیرد. در نگاه دوم، تحلیل دکترین‌های روسی از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند الگوی تدوین دکترین در شرق را نمایان ساخته و موجب آشنایی دکترین‌نویسان در کشور با نظامات شرقی تدوین دکترین گردد. این‌گونه مطالعات می‌تواند در غنای الگوی بومی دکترین در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه تلاش شده است ضمن مروری مختصر بر تاریخچه صدساله دکترین‌نویسی روسیه، الگوی تدوین دکترین در این کشور مورد ارزیابی قرار گیرد. سپس دکترین امنیت ملی روسیه (مصوب ۱۹۹۷) و دکترین‌های نظامی سال

۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ این کشور مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

بدون شک ارتش روسیه یکی از قدرتمندترین ارتش‌های کنونی جهان است، لیکن توانمندی ارتش روسیه صرفاً در توانمندی‌های تجهیزاتی و سخت آن خلاصه نمی‌شود. تاریخ پرفراز و نشیب ارتش روسیه، این ارتش را به یکی از پیش‌تازان عرصه نظریه‌پردازی در حوزه علوم دفاعی و نظامی مبدل ساخته است. سابقه نگارش دکترین مکتوب در روسیه به سال‌های ۰۵-۱۹۰۴ باز می‌گردد. در این دوره مباحث چالش‌برانگیزی در خصوص چرایی شکست روسیه از ژاپن مطرح شد که بسیاری از دانشمندان نظامی روس، علت آن را نبود وحدت عنوان می‌نمودند. در سال ۱۹۱۲، وی دومانوسکی^۱ با انتشار مقاله‌ای در روزنامه «ارتش روسیه»^۲ با عنوان «وحدت رویه در دکترین نظامی» بیان می‌نماید که ارتش روسیه از یک دکترین رزمی منسجم برخوردار نیست. دومانوسکی می‌نویسد «دکترین مجموعه‌ای از اصول مورد پذیرش در یک ارتش بر مبنای آموزه‌های مشترک است»^(۱).

دیدگاه‌های دومانوسکی اگرچه با انتقاداتی مواجه می‌شود، توسط نظامیان برجسته آن دوره هم‌چون زناموف^۳، گریگوریف^۴، دیمیتروفسکی^۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد. پروفیسور ژانیچووسکی^۶ به‌عنوان اصلی‌ترین منتقد دومانوسکی، واژه دکترین را بی‌معنی دانسته و قواره‌مند نمودن روح حاکم بر ارتش در مجموعه‌ای از عبارات را غیر قابل قبول و خطرناک بر می‌شمارد. مباحثات این دو

1 - V. Domanevsky

2 - Voeyna Mysel

3 - D. Neznamev

4 - V. Grigorie.V

5 - D. Dinitrievsky

6 - S. Zainchovsky

اندیشمند روس ما بین سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۲، جریان تفکر و اندیشه‌ورزی در بحث دکترین در روسیه را به اوج می‌رساند. طرفداران هر یک از این دو رویکرد با انتشار مقالات متعدد و شرکت در نشست‌های گوناگون، به توسعه مفهومی ادبیات دکترین در روسیه غنای ویژه‌ای بخشیدند؛ اگرچه سرانجام در این مناقشه، رویکرد دومانوسکی به پیروزی دست یافت.^(۲)

به دنبال انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ در روسیه، مناظرات اندیشمندان روسی در موضوع دکترین وارد عرصه جدیدی شده و با محوریت دو نظریه‌پرداز مشهور نظامی روسیه یعنی لئون تروتسکی^۱ و میخائیل وی فرونز^۲ ادامه یافت. تروتسکی بر این باور بود که دکترین نظامی روسیه می‌باید به گونه‌ای طراحی گردد که الزامات انقلاب جهانی بلشویکی را در خود بگنجاند. در حالی که فرونز دکترین را تحت تأثیر سه مؤلفه شامل تجربیات جنگ داخلی، شرایط سیاسی جدید کشور و مطالبات ارتش سرخ قلمداد می‌نمود. با پیروزی رویکرد فرونز بر رویکرد تروتسکی، سنگ بنای برداشت شوروی‌ها و روسیه کنونی از دکترین بنا نهاده شد.^(۳) رویکرد فرونز با اندک تغییراتی در فرایندهای دکترین‌نویسی شوروی سابق و ارتش روسیه جاری شد. در شوروی بر مبنای نگاه فرونز، دکترین نظامی، ماهیتی تشخیصی، تجویزی و برآوردگر داشت و از ماهیتی پیش‌بینی‌نگر برخوردار بود. به گفته سرهنگ سیدوروف^۳ دکترین نظامی شوروی به هیچ عنوان گذشته‌نگر نبود^(۴) بخشی از مفاد کتاب راهنمای افسران اتحاد جماهیر شوروی که به بیان تفاوت میان علوم نظامی و دکترین نظامی می‌پردازد، می‌تواند در تبیین سیر تحول دکترین در روسیه کمک نماید. در این کتاب آمده است:^(۵)

1 - Leon Trotsky

2 - Mikhaeil V. Frunze

3 - P. Sidorov

” تفاوت‌های واضحی میان دکترین نظامی و علوم نظامی وجود دارد. علوم نظامی در فرایند توسعه دانشی خود از قوانین هدف‌محور و تجربیات نیروهای مسلح و فارغ از خواست‌های انسانی بهره می‌برد. در واقع، علوم نظامی همان تئوری امور نظامی است. درحالی‌که دکترین نظامی براساس یافته‌های علوم نظامی و اصول سیاسی کشور عمل می‌کند. علوم نظامی قوانین کاربردی جنگ را می‌یابد و دکترین براساس این یافته‌های علمی، رهنمودهای کاربردی توسعه نظامی را صادر می‌کند.

دکترین نظام واحدی از دیدگاه‌های رسمی و طرح اجراست که توسط ساختار عالی سیاسی و نظامی کشور مورد تأیید قرار گرفته و از هرگونه دیدگاه شخصی و جزءنگر به دور است، درحالی‌که علوم نظامی (به دلیل ماهیت علم‌گونه آن) مملو از تناقضات است. تئوری‌های مطرح در علوم نظامی ممکن است از دیدگاه‌های گوناگون تشکیل شده باشند، تئوری‌هایی صرفاً علمی و محض باشند و ماهیت کاربردی نداشته باشند.

تفاوت دیگر علوم نظامی و دکترین به طول مدت اثربخشی آن‌ها، رابطه با گذشته و میزان نفوذ در آینده باز می‌گردد. علوم نظامی به مطالعه جزء به جزء و کامل گذشته می‌پردازد و آن‌چه را که برای حال و آینده مفید است برمی‌گزیند. اما دکترین به جست‌وجو در تجربیات گذشته نمی‌پردازد، زیرا علوم نظامی حاصل تحلیل‌های خود از گذشته را در اختیار دکترین قرار می‌دهد. دکترین عمدتاً به زمان حال و آینده نزدیک متمایل است و راه‌کارهای کاربردی توسعه نظامی را برای مدت کوتاهی مشخص می‌کند. به دلیل روند سریع تغییرات در نبرد مدرن و پیشی گرفتن سرعت تغییر از روند توسعه دکترین، بازبینی دکترین‌ها

ضروری است. این بازبینی به شدت به توانایی علوم نظامی در پیش‌بینی روند تغییرات بستگی دارد.^۱

ژنرال گاریف^۱ رئیس آکادمی علوم نظامی روسیه در جلسه ارائه دکترین جدید روسیه در پاسخ به این پرسش که ضرورت اتکا به دکترین نظامی در حالی که علوم نظامی تا این حد توسعه یافته‌اند چیست می‌گوید: واقعیت آن است که علوم نظامی مانند هر علم دیگری در برگیرنده آراء مختلفی از دغدغه‌های دفاعی است. این امر موجب توسعه و غنای علمی بخش دفاع و پویایی آن می‌گردد. اما در عرصه عمل و در طراحی سیاست‌های دفاعی که بتوانند ضامن امنیت ملی باشند، یکپارچگی و وحدت دیدگاه‌ها یک ضرورت است که در قالب دکترین متجلی می‌شود.^(۶)

ارتش روسیه از سال ۱۹۱۸ تا کنون حداقل در ۳۷ درگیری داخلی و خارجی شرکت داشته است و از این منظر می‌توان گفت که یکی از پرکارترین ارتش‌های دنیاست. بنابراین بدیهی به نظر می‌رسد که دکترین‌های توسعه‌یافته در روسیه و هم‌چنین نظامات تدوین دکترین در این کشور از پویایی و غنای ویژه‌ای برخوردار باشد.

توجه بدین نکته ضروری است که به‌طور سنتی دکترین در روسیه تحت تأثیر شدید عقاید ایدئولوژیک قرار داشته است. اگرچه این وضعیت در دوره شوروی سابق در اوج قرار گرفت، لیکن پس از آن و در روسیه فعلی نیز این سنت هم‌چنان حفظ گردیده است. البته به اعتقاد برخی تحلیل‌گران هم‌چون دکتر بول^۲، اسناد دکترینی جدید روسیه، به مراتب کم‌تر تحت تأثیر دیدگاه‌های ایدئولوژیک قرار داشته و به‌طور عمده بر مبنای منافع ملی روسیه شکل

1 - M. A. Gareyev

2 - Boll

گرفته‌اند.^(۷) لیکن واقعیت آن است که اگرچه در ظاهر این امر رخ داده است، به نظر می‌رسد تنها نحوه تأثیرگذاری ایدئولوژی در دکترین‌های نظامی روسیه دچار تفاوت شده است و نه ذات آن. بدین معنی که در اسناد جدید، ایدئولوژی در شکل‌گیری منافع ملی نقش‌آفرینی می‌نماید و از مسیر منافع ملی بر دکترین نظامی اثر می‌گذارد. در هر حال، تاریخ دکترین‌نویسی در روسیه دستخوش افت و خیزهای متعدد بوده است. اندیشمندان و نام‌های بزرگی هم‌چون سوروف^۱، کوتزوف^۲، تروتسکی، فرونز، توخاچوفسکی^۳، استالین^۴، ژوکف^۵، سوکولوفسکی^۶ و گورچکوف^۷ در ساخت این تاریخ پر فراز و نشیب صاحب سهم اصلی بوده‌اند.

سند دکترین امنیت ملی راه‌کارهای حفظ منافع ملی روسیه در سطح راهبردی را در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی تبیین می‌کند. هدف سند سیاست خارجی نیز تعریف نوع روابط روسیه با بازیگران بین‌المللی از جمله کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است. از طرف دیگر، دکترین نظامی در برگیرنده دیدگاه‌ها و راه‌کارهای مورد نظر روسیه در خصوص جنگ‌ها، درگیری‌ها و بحران‌ها و هم‌چنین پیش‌گیری از آن‌ها یا بازدارندگی در مقابل آنها، فرونشاندن خشونت، آرایش نیرو، آماده‌سازی و تقویت قوای مسلح، اقتصاد نظامی و سایر راه‌کارهای مهم در حفظ منافع ملی و سرزمین روسیه است.

-
- 1 - Suvorov
 - 2 - Kutzov
 - 3 - Tukhachevski
 - 4 - Stalin
 - 5 - Zhukov
 - 6 - Sokolovsky
 - 7 - Gorshkov

مقاله حاضر پس از برشماری فرازی از سیر تحولات ادبیات دکترین در تاریخ یکصد ساله این مفهوم در روسیه، الگوهای تدوین دکترین روسی را مورد بررسی قرار داده و سپس دو سند دکترین امنیت ملی و دکترین‌های نظامی سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ روسیه را مورد واکاوی محتوایی قرار می‌دهد.

نقدی بر الگوی تدوین دکترین در روسیه

مفهوم دکترین در ادبیات شرق و غرب از تفاوت قابل توجهی برخوردار است. نگاه روس‌ها به دکترین به مراتب وسیع‌تر و کلان‌تر از نگاه غرب و به‌خصوص آمریکاییان است. در حالی که در غرب دکترین شعور ناپیدای حاکم بر به‌کارگیری نیروهای مسلح در صحنه نبرد تعبیر می‌شود که بر پایه مفاهیم عملیاتی شکل گرفته و ارتباط میان فناوری، ساختار، تئوری و تجربه رزمی را برقرار می‌سازد، در شرق دکترین برداشت مشترکی است از مطالبات دفاعی ملی. مارشال گرچکو^۱ وزیر دفاع شوروی سابق در سال ۱۹۷۵ به روشنی در توصیف دکترین بیان می‌کند که دکترین در روسیه عبارت است از مجموعه دیدگاه‌های ارائه شده از سوی حکومت در یک دوره زمانی مشخص در خصوص اهداف نظامی، ماهیت جنگ آینده، چگونگی آمادگی نیروهای مسلح کشور جهت مشارکت در جنگ بعدی و روش برپایی جنگ.^(۸) بیانات ژنرال گاریف در سال ۲۰۰۷ بیانگر عدم تغییر رویکرد مطرح شده از سوی «گرچکو» است. آن‌چنان‌که گاریف بیان می‌کند، دکترین مجموعه‌ای از دانش دفاعی است متشکل از دیدگاه‌ها و نگاه‌های رسمی مورد پذیرش کشور در خصوص روش‌های مقابله با تهدیدات و تضمین امنیت؛ نحوه مقابله با جنگ‌ها و درگیری‌ها با شیوه‌های

1 - A. A. Grechko

توسعه و سازماندهی نیرو؛ نحوه آماده‌سازی کشور، نیروهای مسلح و سایر قوا در دفاع از سرزمین مادری؛ شیوه جنگ و سایر فعالیت‌هایی که موجب ارتقاء امنیت ملی می‌گردند. دکترین‌های روسی تلاش نموده‌اند همواره چند پرسش اصلی را پاسخ گویند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: جنگ آتی پیش‌روی روسیه که ارتش می‌باید خود را بر آن مبنا توسعه دهد چیست؟ دشمن پیش‌روی روسیه کیست؟ ارتش روسیه می‌باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟ روسیه چه‌گونه باید از ظرفیت و توان ملی خود در راستای آمادگی رزمی بهره‌گیرد؟ محورهای اصلی مطالبات عملیاتی فناورانه و اقتصادی نیروهای مسلح و عناصر قدرت در روسیه چیست؟ مقررات و شرایط حاکم در به‌کارگیری نیروهای متعارف و راهبردی چیست؟ **دکترین نظامی در روسیه معادل راهبرد امنیت ملی در آمریکا است.** رویکرد شرقی به دکترین در کشورهای نظیر روسیه، چین، بلاروس، قزاقستان و برخی کشورهای مشترک‌المنافع حاکم است.

به‌نظر می‌رسد نحوه تعامل دکترین و سیاست یکی دیگر از تفاوت‌های مهم در ادبیات دکترین شرق و غرب است که مهم‌ترین اثر خود را در فرایندهای تدوین دکترین بر جای می‌گذارد. در رویکردهای غربی دکترین همواره متغیر و وابسته به راهبردها و سیاست است و می‌توان یک نظام بالا به پایینی که از راهبردهای امنیت ملی آغاز شده و پس از گذر از سیاست‌های امنیت ملی به راهبرد نظامی و سپس دکترین نظامی ختم می‌شود مشاهده نمود.

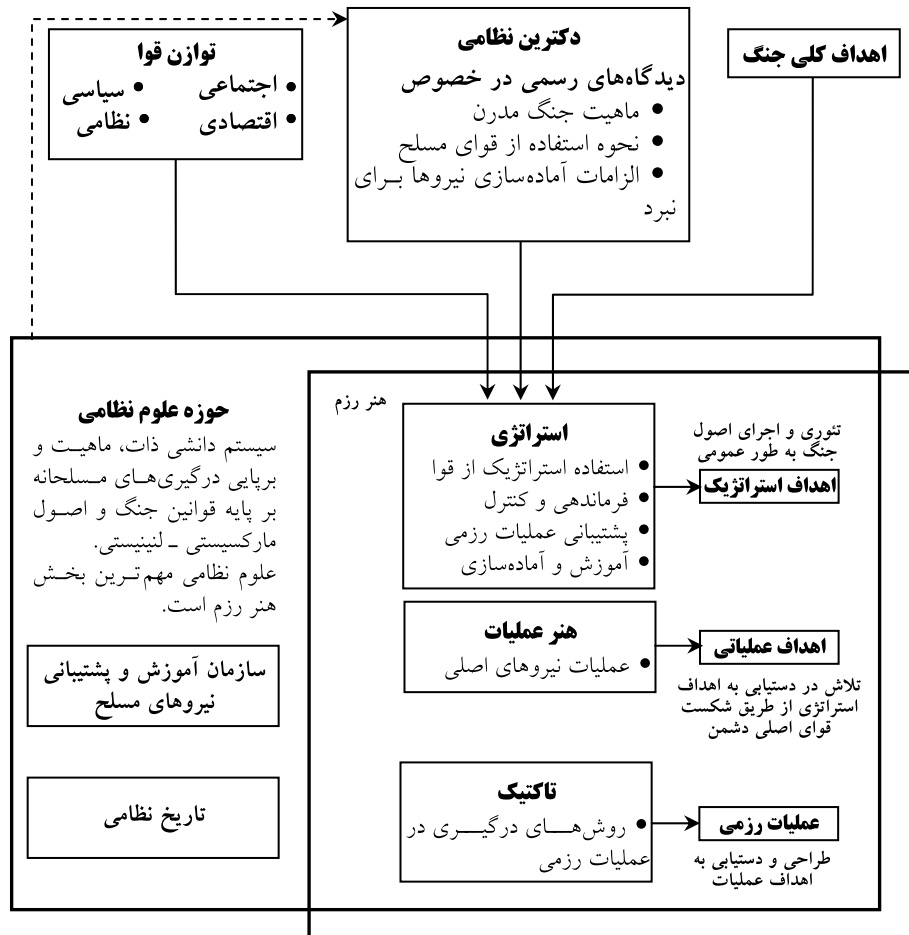
دکترین در فرهنگ آنگلو ساکسونی در قسمت‌های تحتانی هرم نظامی و در چارچوب راهبردهای نظامی تعریف می‌گردد. بنابراین، دکترین ماهیت حمایتگر و پشتیبانی‌کننده سیاست‌ها و راهبرد تلقی می‌گردد، به‌طوری‌که دکترین پس از تعیین راهبردها و سیاست‌ها مطرح می‌شود تا بیان‌کننده رعایت چه اصول و مبانی فکری و عقیدتی می‌تواند متضمن دستیابی به راهبردها و سیاست‌های تعیین شده باشد. البته این موضوع منکر وجود مبانی فکری بالادستی اثرگذار بر سیاست‌ها و

راهبردها نیست. به عنوان مثال، در آمریکا دموکراسی، حقوق بشر، قدرت جهانی و ... جزو پایه‌های فکری و باورها به حساب می‌آیند.

البته در رویکرد غربی به دکترین نیز مکاتب متفاوتی قابل مشاهده است. مثلاً انگلیسی‌ها حتی سطح دکترین را از سطح مورد پذیرش آمریکایی‌ها پایین‌تر دانسته و آن را صرفاً در فرایندهای آموزشی جاری می‌دانند.

در رویکردهای شرقی بر خلاف رویکردهای غربی رابطه دستوری و بالا به پایینی میان راهبرد، سیاست و دکترین برقرار نیست. به گمان برخی محققان در رویکرد شرقی جایگاه دکترین بالاتر از راهبرد است. به گفته این گروه از محققان، راهبردها، سیاست‌های امنیت ملی و راهبردهای نظامی در ذیل دکترین قرار گرفته و نوعاً از اجزای دکترین محسوب می‌شوند.^(۹) در این رویکرد دکترین از ارتباط نزدیکی با راهبرد برخوردار است زیرا راهبرد، چکیده عملی دکترین به حساب می‌آید و بنابراین راهبرد که از دکترین برآمده است پس از تلفیق با ملاحظات سیاسی، یک راهنمای کاربردی در صحنه نبرد محسوب می‌گردد.

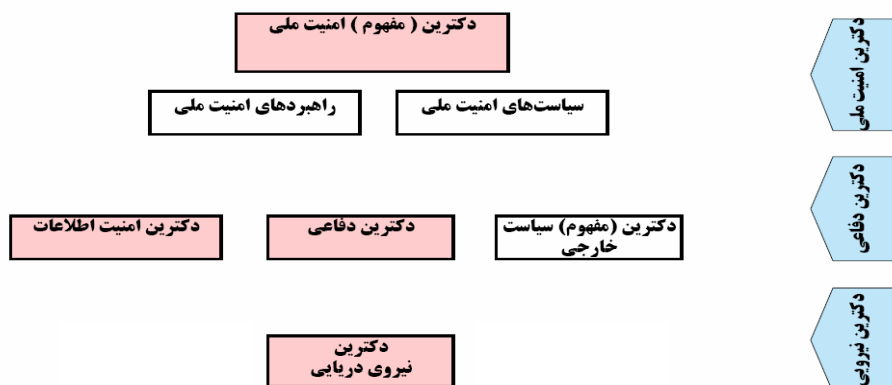
روس‌ها در عین حال بر این باورند که راهبرد به دلیل برخورداری از بن‌مایه‌ای علمی قادر است بر دکترین اثرگذار باشد. در واقع، اگر دکترین را هم‌سان با ایدئولوژی و نه اصول و نظریات منتج شده از ایدئولوژی بدانیم آن‌گاه، رویکرد روس‌ها قابل پذیرش خواهد بود. ولی آیا به‌راستی دکترین همان ایدئولوژی است؟ اگر پاسخ این پرسش منفی باشد و ایدئولوژی از ارتباط مستقیمی با هر سه مؤلفه راهبردها، سیاست و دکترین برخوردار باشد، آن‌گاه مزیت هر یک از این سه نسبت به یکدیگر چیست؟ در هر حال، دکترین در رویکرد شرقی به هیچ وجه نقش پشتیبان راهبردها را ندارد بلکه زاینده راهبردهاست.



شکل ۱ - نمای شماتیک رابطه علوم و دکترین نظامی در رویکرد شرقی (۱۰)

تفاوت در برداشت‌ها و جانمایی دکترین در فرایند طرح‌ریزی راهبردی رویکردهای شرقی و غربی، سبب شده تا فرایند تدوین دکترین و به طبع آن نحوه چیدمان دکترین در بدنه نیروهای مسلح در این کشورها دچار تفاوت‌های اساسی گردد. از آن‌جا که در رویکرد غربی، دکترین در لایه تحتانی هرم طرح‌ریزی راهبردی جای می‌گیرد و به‌شدت به لایه اجرا نزدیک شده‌است،

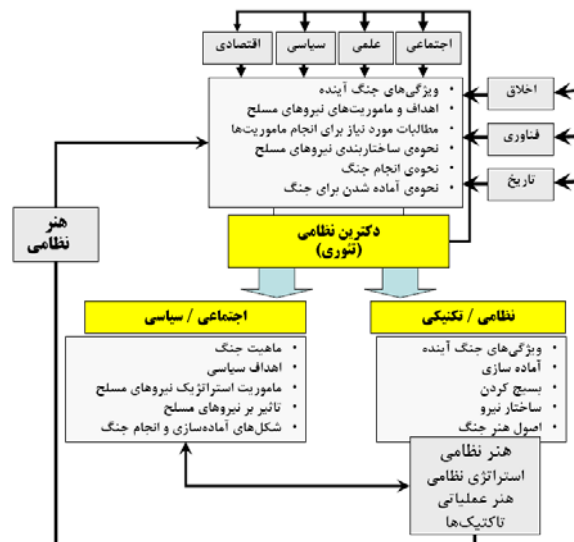
غربی‌ها به لزوم پرداختن به تمامی سطوح دکترین در نیروهای مسلح اصرار دارند. به عبارتی، دکترین‌های بنیادی در لایه استراتژیک، دکترین‌های عملیاتی در لایه عملیاتی و دکترین‌های سازمانی در لایه تاکتیکی به‌طور کامل در نظام دکترین نویسی غربی مورد توجه است. در آمریکا به‌طور مشخص تمامی سطوح هفت‌گانه دکترین مشاهده می‌شود؛ چرا که به اعتقاد آمریکاییان آنچه از راهبرد و سیاست می‌باید در صحنه عمل مورد توجه نیروها قرار گیرد در شکل دکترین تجلی می‌یابد. بر این اساس، در آمریکا یک نظام پیچیده دکترین نویسی از بالا به پایین و تا ریزترین عملیات وجود دارد تا آنجا که سرانجام در پایین‌ترین سطح دکترین سازمانی به آیین‌نامه نظامی (FM) تبدیل می‌گردد.^(۱۱)



شکل ۲ - نمای شماتیک سطوح دکترین‌ها مطابق رویکرد شرقی در روسیه

آن‌چنان که دیده می‌شود، روس‌ها چندان تمایلی به توسعه لایه‌های زیرین دکترین در ساختار دفاعی خود ندارند. برعکس، اهمیت دکترین در ادبیات روسی در لایه‌های بالادستی تجلی می‌نماید. شاید این امر به سبب ایدئولوژیک محور بودن روس‌ها و توجه آن‌ها به لزوم تعیین دقیق اصول و ارزش‌های بالادستی باشد. در این صورت این رویکرد نوعی معرفت‌محوری را تداعی می‌نماید.^(۱۲)

اما در رویکرد شرقی به سبب آن که دکترین در بالاترین لایه‌ها جای گرفته است، نیازی به تدوین تمامی سطوح دکترین نبوده‌است. از بررسی‌های ما در حوزه روسیه چنین برمی‌آید که اساساً روس‌ها به دکترین سازمانی نپرداخته‌اند و حداکثر تا سطح دکترین نیرویی پیش‌رفته‌اند. در روسیه هم‌اکنون تنها دکترین نظامی موجود از سطح دکترین‌های بنیادی تدوین شده و یک دکترین نیرویی (نیروی دریایی روسیه) هم وجود دارد که از سطح دکترین‌های عملیاتی تدوین گردیده است. در رویکرد غربی تحقق دکترین از طریق نظام انسجام‌یافته تدوین دکترین و اجرای آن در قالب مأموریت روزمره نیروها به‌خصوص از طریق سیستم آموزشی تضمین می‌گردد. در حالی که در روسیه فرهنگ سازمانی نیروها به‌گونه‌ای است که کلیه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات به‌طور خودکار مطابق رهنمودهای دکترین شکل می‌گیرد. این امر سبب می‌گردد که اجرای دکترین تابعی از اقتضائات زمانی، مکانی و مدیریتی باشد و این یکی از نقاط ضعف فرایند تدوین دکترین در روسیه است.



شکل ۳ - نمای شماتیک تدوین دکترین در روسیه (۱۳)

دکترین (مفهوم) امنیت ملی روسیه

سند دکترین امنیت ملی روسیه از منظر تاریخی، بدعتی نوین در تاریخ دکترین‌نویسی روسیه بوده است. سندی تحت این عنوان در دوره شوروی سابق تدوین نگردید، اما با دستور ریاست جمهوری روسیه در سال ۱۹۹۲ مبنی بر شکل‌گیری شورای امنیت ملی روسیه، این نهاد به‌عنوان متولی امنیت ملی کشور، اقدام به تدوین سند فوق‌الذکر نمود. ترجمه دقیق واژه روسی *Kontseptsiya* دکترین نیست و معنی دقیق آن «مفهوم» است، اما با توجه به ماهیت سند و محتویات موجود در آن لفظ دکترین بدان اطلاق می‌گردد. پس از آن، دو سند در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ با عنوان دکترین امنیت ملی روسیه منتشر شده است، اما به‌نظر می‌رسد زمان زیادی به تغییر این اسناد و معرفی سند جدید باقی نمانده باشد. زمره‌های تغییر دکترین امنیت ملی روسیه اولین بار در سال ۲۰۰۴ و پس از حوادث تروریستی نوردوسک^۱ و پسلان^۲ مطرح شد. در این سال پوتین خواستار بازنگری دکترین امنیت ملی روسیه شده و متعاقب آن در سال ۲۰۰۵ دستور بازنگری دکترین نظامی را صادر نمود. با این حال، هم‌اکنون نسخه مصوب سال ۲۰۰۰ اصلی‌ترین سندی است که مؤلفه‌های امنیت ملی روسیه را به‌طور رسمی بیان می‌کند.

روسیه مفهوم امنیت ملی را چنین تعریف می‌نماید: (۱۴)

“فعالیت‌هایی که توسط ساختار قدرت، سازمان‌های دولتی، اجتماعی و مردمی با هدف حفظ منافع ملی روسیه در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی صورت می‌گیرد.”

این مجموعه فعالیت‌ها عبارتند از: شناسایی و پیش‌بینی تهدیدات؛ تعیین

1 - Nordomsk

2 - Pslan

ابعاد منافع ملی؛ تقویت نیروها، ابزارها و نظام حفظ امنیت؛ و سرانجام تخصیص و هدایت منابع و تعیین نحوه به‌کارگیری آن‌ها. مفهوم امنیت ملی در قالب یک سند راهبردی تنظیم شده است که اتخاذ یک سیاست روشن و جامع را در جهت حفظ منافع ملی روسیه فرمول‌بندی و تعیین می‌کند. مطالعه سندهای ۱۹۹۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ از نگاه تهدیدشناسی، چهار تهدید اصلی را علیه روسیه بر می‌شمارد که عبارتند از: برتری و سلطه غرب به رهبری آمریکا بر جهان، تضعیف موقعیت بین‌المللی روسیه، بی‌توجهی به منافع ملی روسیه و خطر تروریسم بین‌المللی. دکترین امنیت ملی ۲۰۰۰ روسیه در مقایسه با سند ۱۹۹۷ بر افزایش عوامل ناپایدارکننده‌ی محیط امنیتی بین‌المللی تأکید کرده است که احتمالاً می‌تواند ناشی از درگیری در یوگسلاوی سابق، جنگ چین، پیشروی ناتو به سوی شرق و حتی بحران اقتصادی ۱۹۹۸ روسیه باشد. در این سند در اقدامی جالب توجه، از اقتصاد به‌عنوان مهم‌ترین موضوع امنیت ملی روسیه نام برده شده است.^(۱۵)

دکترین امنیت ملی روسیه پاسخی است به مجموعه تحولات رخ داده در داخل و خارج از روسیه در دهه نود میلادی. در مقیاس داخلی بحران اجتماعی-اقتصادی و جنگ چین، خود را در قالب دو هدف اصلی در سند مزبور بروز داده‌اند. اول، از بین بردن علل بحران‌های داخلی و دوم، بسط قدرت ملی و حاکمیت مقتدر دولت بر تمامی سرزمین روسیه. در مقیاس خارجی نیز افزایش مشارکت با کشورهای جامعه مشترک‌المنافع و سایر متحدین پاسخی به توسعه‌ی ناتو به شرق است.

به‌طور کلی، در سند ۱۹۹۷ نگرش نسبتاً مثبتی به تحولات بین‌المللی وجود داشت و در عوض تهدیدات اصلی علیه امنیت ملی روسیه ناشی از بحران اجتماعی - اقتصادی داخلی تعریف شده بود. جالب این‌که ظرف مدت دو سال این برآورد تهدید به کلی تغییر یافته و پیکان تهدید در خارج از روسیه و آن هم تهدیدات نظامی و بالخصوص تهدید ناتو تشخیص داده شده است. تهیه سند اخیر

را می‌توان نقطه عطفی در نوع تهدیدشناسی روسیه دانست. تجزیه و تحلیل وسیع نحوه بروز جنگ‌های گوناگون در این سند مؤید این مطلب است که هم‌اکنون اولویت اصلی ضمانت امنیت ملی روسیه، تقویت بنیه و توان نظامی این کشور است و این روند تا کنون نیز ادامه داشته است. اما نکته‌ای که اکثر صاحب‌نظران در آن اختلاف نظر دارند، نوع جنگ پیش‌رو و چگونگی توسعه توانایی‌های متناسب جهت مقابله با آن است.

دکترین امنیت ملی در راستای حفظ منافع ملی روسیه در سطح خارجی تأکید بر همکاری‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی با کشورهای مشترک‌المنافع و یکپارچه شدن با آن‌ها را هدف اصلی خود دانسته است. حال آن‌که در سند ۱۹۹۷، هدف اصلی گسترش همکاری‌های بین‌المللی در سطح جهانی بود. این تغییر سیاست خارجی را می‌توان تا حدی ناشی از سرخوردگی روسیه از همکاری با غرب تعبیر کرد. در سطح داخلی نیز اولویت و هدف اصلی این سند، تقویت حاکمیت مرکزی عنوان شده است. رشد وجهه بین‌المللی روسیه در سال‌های اخیر و بازیابی قابل توجه قدرت ملی این کشور، نمایانگر موفقیت دولتمردان این کشور در اجرای دکترین امنیت ملی بوده است.

دکترین نظامی روسیه

دکترین نظامی بخشی از امنیت عمومی روسیه است که به‌نوعی بازتاب سیاست‌های گذشته، حال و آینده این کشور است. دکترین نظامی روسیه نیازهای نیروی نظامی را در حوزه ساختار، نیروی انسانی و تجهیزات مشخص می‌کند؛ هم‌چنین راه‌کارهایی را در خصوص نوع جنگ و مدل برپایی و اجرای جنگ‌ها ارائه می‌دهد. از طرف دیگر، در سال‌های اولیه شکل‌گیری روسیه به گفته برخی

صاحب‌نظران از جمله ولادمیر چرنوف^۱ از اعضای شورای عالی امنیت ملی روسیه، هدف از نگاهش دکترین نظامی، ارائه خطوط راهنما برای تمامی وزارت‌خانه‌ها و طرف‌های ذینفع در امنیت ملی روسیه بود تا بتوان از تکرورهای احتمالی اجتناب ورزیده و بر مبنای سیاست واحد حرکت نمود.^(۱۶) بنابراین، یکی از کارکردهای کلیدی دکترین در روسیه ارتقای ضریب وحدت فرماندهی و متمرکزسازی تصمیم‌گیری راهبردی است.

از دیدگاه روسیه، دکترین‌های نظامی را می‌توان در سه سطح کلی تعریف و تدوین کرد. سطح اول که دکترینی جزء - محور تلقی می‌گردد، در سطح نیروهای دریایی، هوایی و زمینی تدوین می‌شود. سطح دوم، دکترین نظامی نیروهای مسلح است که تمام نیروها را در چارچوب واحد تلقی می‌کند. سومین سطح هم به دکترین‌های نظامی بین‌المللی و بین متحدین نظامی مربوط است. در روسیه از میان دکترین‌های سطح اول تنها دکترین نیروی دریایی در جولای ۲۰۰۱ تدوین شد. تدوین دکترین نظامی بین‌المللی نیز که روس‌ها در سال‌های اولیه فروپاشی در پی آن بودند، هیچ‌گاه عملی نشد. اما سطح دوم یا دکترین نظامی نیروهای مسلح روسیه تاکنون در سه دوره و در سال‌های ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۷ تدوین شده است. در ادامه به منظور شناخت بیش‌تر دیدگاه نظامی روسیه و نقش مهمی که دکترین‌های نظامی و اسناد مشابه آن‌ها می‌توانند در آشکار ساختن مواضع ملی کشورها داشته باشند، به بررسی پیش‌نویس دکترین نظامی سال ۲۰۰۷ و بررسی جامع‌تر دکترین مصوب نظامی سال ۲۰۰۰ می‌پردازیم.

تغییرات وضعیت ژئوپلیتیکی و سیاسی - نظامی روسیه و جهان ضرورت تدوین دکترین جدید نظامی را نشان داده است. به همین دلیل ولادمیر پوتین در

1 - hernov

سال ۲۰۰۵ رهبران ارتش را مأمور نگارش نسخه سوم دکترین نظامی روسیه نمود. ژنرال محمت گاریف^۱ رئیس آکادمی علوم نظامی روسیه طی کنفرانسی در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۷، اتمام نگارش پیش‌نویس دکترین جدید و ارسال آن جهت تصویب به ریاست جمهوری را اعلام نمود. دکترین جدید چند عامل اصلی را به عنوان مبانی شکل‌دهنده محیط نظامی - سیاسی دهه آتی قلمداد نموده است که اهم آن‌ها عبارتند از:

- عوامل زیست محیطی و انرژی، علل و انگیزه‌های اصلی درگیری‌های نظامی ۱۰ تا ۱۵ سال آینده خواهند بود.
- شکاف عظیم میان استانداردهای زندگی ثروتمندان و بقیه مردم، به تروریسم و «جنگ همه با همه» منجر می‌شود.
- ماهیت تهدیدهای آینده به ساختار سیاسی آینده جهان بستگی دارد. حتی ابرقدرت‌هایی نظیر آمریکا هم نمی‌توانند با بار سنگین مسئولیت و رهبری کنار بیایند و آن را تحمل نمایند.
- تحلیل روندهای کنونی جهان نشان می‌دهد مسیر سیاسی‌ای که واشنگتن در پیش گرفته به رویارویی آمریکا با بسیاری از کشورها منجر خواهد شد. لذا روسیه با اتخاذ سیاستی منعطف به منظور حفظ منافع ملی‌اش و حفظ ثبات جهانی عمل خواهد نمود.
- حضور جهانی و مشارکت روسیه با قدرت‌های بزرگ به منظور حفظ نظام حقوق بین‌الملل و ممانعت از بروز جنگ ضروری است. هدف این رویکرد مشارکت‌گرایانه، ارتقای سطح روابط بین‌الملل است.
- دکترین جدید بنابر اعلام گاریف، رویکرد تلفیق‌گرایی تهدیدات را برگزیده

1 - Mehmet Gariev

و این به معنی تغییر نگاه روس‌ها به امنیت است.^(۱۷) به عبارت دیگر، تهدیدات نظامی و غیرنظامی شامل تهدیدات سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی به صورت یکپارچه مورد توجه قرار گرفته و تعریف شده‌اند. لذا دکترین جدید روسیه را دیگر نمی‌توان یک دکترین نظامی قلمداد نمود بلکه می‌توان آن را دکترین روسیه نامید. روح حاکم بر سخنرانی گاریف و بالیوفسکی (رئیس ستاد کل ارتش روسیه) در جلسه ارائه دکترین نظامی جدید روسیه، بیانگر آن است که روسیه بار دیگر غرب و به خصوص آمریکا را منبع اصلی تهدیدات نظامی علیه خود برآورد نموده است. انگیزه رهبری جهانی آمریکا، توسعه ناتو به شرق، افزایش حجم اطلاعات غلط علیه روسیه، توسعه سامانه دفاع ضد موشکی آمریکا و برهم خوردن توازن خطر ناشی از حضور آمریکا در نزدیکی مرزهای روسیه برخی از دلایل این رویکرد است. هم‌چنین تهدید ناشی از گسترش تسلیحات کشتار جمعی به خصوص تسلیحات اتمی در دکترین جدید به شدت مورد توجه قرار گرفته و بار دیگر بر لزوم توسعه توانمندی بازدارندگی هسته‌ای روسیه تأکید شده است.

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، توسعه ناتو به شرق و استقرار نیروهای خارجی در مرزهای روسیه به عنوان تهدیدات خارجی بالفعل ارزیابی شده‌اند. اما نکته جالب توجه، پیش‌بینی احتمال بروز جنگ وسیع جهانی علیه روسیه و اهمیت قائل شدن بیش از پیش بدان است. تهدیدات تروریستی و تلاش گروه‌های جدایی طلب اصلی‌ترین تهدیدات داخلی روسیه عنوان شده‌اند. هم‌چنین، به سیاست مشارکت‌گرایی به عنوان راه‌کاری مناسب جهت رفع بسیاری از این تهدیدات اشاره شده است و بدین منظور تمهیداتی جهت هم راستاسازی دکترین نظامی روسیه با دکترین نظامی سایر قدرت‌های جهانی اندیشیده شده است. توسعه قابلیت بازدارندگی تسلیحات اتمی، توسعه نیروی نظامی چندمنظوره، تحول نیروهای مسلح، توسعه سامانه یکپارچه دفاع هوا - فضا و

توسعه روش‌های تقابلی و غیرتقابلی جنگی از جمله نکات عمده مورد توجه دکترین جدید هستند. دکترین نظامی ۲۰۰۷ روسیه بر مبنای مفهوم دفاع فعال توسعه یافته و زمینه‌های لازم برای تحقق حملات پیش‌دستانه فعال در نظر گرفته شده است.

در مجموع، دکترین اخیر را می‌توان نمایشگر اتخاذ روندهای زیر در سیاست‌های دفاعی - امنیتی روسیه برشمرد:

- حرکت در راستای ادامه اصلاحات و حرفه‌ای‌سازی ارتش روسیه با جدیت هرچه بیش‌تر تا سال ۲۰۱۳.
- تقویت توان نیروهای اتمی روسیه و نوسازی کامل آن‌ها تا سال ۲۰۱۶. (۱۸)
- افزایش درصد بودجه نظامی از ۲/۵ به ۳/۵ درصد از تولید ناخالص ملی (GNP).
- تقویت توان بسیج ملی و توسعه توان واکنش سریع.
- تقویت جایگاه وزیر دفاع به‌عنوان جانشین فرماندهی کل قوا و قرار گرفتن شورای عالی امنیت ملی تحت نظر وی.
- همه‌جانبه‌نگری در برآورد تهدید. (۱۹)
- قرار گرفتن تروریسم در کنار آمریکا و ناتو به‌عنوان سه رأس اصلی هرم تهدیدات روسیه.
- به‌کارگیری تجربیات امنیت جهانی سایر کشورها و از جمله آمریکا در تدوین سیاست‌های امنیتی.

دکترین نظامی سال ۲۰۰۰ هم‌چنان به‌عنوان رسمی‌ترین سند دکترین در روسیه محسوب می‌شود. این سند حیطه وسیعی از مباحث دفاعی و نظامی را مورد توجه قرار داده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ماهیت و دلایل جنگ‌های مدرن؛ تهدیدات داخلی و خارجی پیش‌روی روسیه؛ ساختار و

وضعیت مالی نیروهای مسلح؛ شیوه‌ها و نحوه به‌کارگیری نیروهای مسلح؛ پیمان‌نامه‌های کنترل تسلیحات و شیوه‌های اجرا و اعمال آن‌ها؛ شیوه‌ها و روش‌های اعمال مجازات‌ها و تحریم‌های بین‌المللی و غیره.

یکی از نکات حائز اهمیت این دکترین تعیین شیوه استفاده روسیه از سلاح اتمی مطابق سند دکترین امنیت ملی این کشور در سال ۱۹۹۷ است. در این سند به‌نحوی شفاف سناریو و زمان استفاده از تسلیحات هسته‌ای و مأموریت نیروی اتمی روسیه و مقررات حاکم بر استفاده آن‌ها از این تسلیحات بیان شده و در آن بر توسعه تسلیحات اتمی کوچک تأکید گردیده است. از طرف دیگر، در حالی که در دکترین امنیت ملی ۱۹۹۷ بر استفاده پیش‌دستانه روسیه از سلاح هسته‌ای در صورت تهدید ماهیت وجودی این کشور تأکید شده، در دکترین سال ۲۰۰۰ تصریح گردیده که روسیه می‌تواند در صورت مواجهه با یک حمله متعارف وسیع که امنیت ملی کشور را به‌خطر اندازد و آن را در موقعیت بحران قرار دهد (یعنی در صورت به‌خطر افتادن تمامیت ارضی و یکپارچگی کشور) از سلاح هسته‌ای با اثرات محدود و کنترل‌شده بهره‌گیرد.^(۲۰) اما جالب‌ترین و در عین حال تامل‌برانگیزترین نکته آن است که روسیه خطر تسلیحات کشتار جمعی از جمله تسلیحات اطلاعاتی را همسان با تسلیحات هسته‌ای دانسته و تهدید می‌کند که در صورت استفاده از این‌گونه تسلیحات علیه کشورش، با سلاح هسته‌ای بدان پاسخ خواهد داد. چنین نگاهی، این ذهنیت را برای بسیاری تقویت نموده است که ضعف نیروهای متعارف عامل اصلی افزایش نقش نیروهای اتمی در روسیه است. با وجود تمام این موارد، دکترین مزبور ماهیت تدافعی دارد و صرفاً در دوران گذار روسیه معتبر است. این سند دوره‌ی گذار را دوره شکل‌گیری کشور دموکراتیک روسیه با اقتصاد باز تعریف کرده که در آن سازمان نیروهای مسلح و روابط بین‌الملل روسیه در حال تغییری پویاست. اجرای مفاد قید شده در این سند به گفته نگارندگان آن منوط به مرکزیت بخشیدن به فرماندهی و کنترل

نظامی کشور و اجرای برخی راه‌کارهای ویژه سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی، اطلاعاتی، حقوقی و نظامی است. در این دکتترین مباحث در قالب: اصول سه‌گانه نظامی - سیاسی، نظامی - راهبردی و نظامی - اقتصادی تحلیل شده که در ادامه به بررسی دقیق‌تر آن‌ها می‌پردازیم. (۲۱)

اصول نظامی - سیاسی دکتترین سال ۲۰۰۰

روس‌ها بر این باورند شرایط نظامی - سیاسی امروز دنیا با توجه به مؤلفه‌هایی نظیر کاهش خطر بروز جنگ‌های عظیم (مانند جنگ اتمی)، اهمیت یافتن قدرت‌ها و مراکز قدرت منطقه‌ای، افزایش درگیری‌ها و جنگ‌های محلی و گسترش تسلیحات کشتار جمعی (از جمله تسلیحات اطلاعاتی) تعیین می‌شود. اما به اعتقاد روس‌ها، تضعیف نظام بین‌الملل و استفاده از قدرت نظامی بدون مجوز سازمان ملل (اشاره به برخی اقدامات آمریکا) از مهم‌ترین عوامل القای اثر منفی بر شرایط نظامی - سیاسی جهان است. ضمن این‌که بنیادگرایی دینی، تروریسم و قاچاق نیز از دید آنها از جمله عوامل ناپایدارکننده شرایط نظامی - سیاسی شناخته شده محسوب می‌شود.

در این دکتترین، روس‌ها در یک برآورد عمومی خطر درگیری مستقیم خود در قالب درگیری‌های کلاسیک را اندک دانسته و در جهت شفاف‌سازی موضوع، دو گونه تهدیدات خارجی و داخلی اصلی را مورد توجه قرار می‌دهند.

تهدیدات خارجی دوازده‌گانه مورد نظر روسیه در این دکتترین عبارتند از:

- درگیری‌های کلاسیک به‌منظور اشغال خاک روسیه و مداخله در امور داخلی این کشور
- بی‌توجهی به منافع روسیه در حل مناقشات بین‌المللی و نادیده گرفتن این کشور به‌عنوان یک قدرت اثرگذار جهانی
- وجود مناطق آشوب‌زده و جنگی در نزدیکی روسیه

- تغییر توازن قوا در منطقه از طریق ورود گروه‌ها، نیروها یا توانایی‌های جدید
 - گسترش پیمان‌های نظامی با هدف تحت تاثیر قرار دادن امنیت نظامی کشور
 - حضور نیروهای بیگانه بدون مجوز سازمان ملل در کشورهای دوست
 - تجاوز به تأسیسات نظامی برون مرزی روسیه
 - تجهیز و آماده‌سازی گروه‌های رزمی با هدف اعزام آن‌ها به داخل خاک روسیه
 - کلیه فعالیت‌های برهم زننده توازن قوای جهانی به‌ویژه درحوزه نیروهای راهبردی
 - جنگ اطلاعات
 - تجاوز به حقوق و آزادی‌ها و نیز سرکوب اتباع روسی در خارج از این کشور
 - تروریسم
- مهم‌ترین حوزه‌های خطر داخلی مورد نظر دکترین نظامی روسیه در شش مورد ذکر گردیده است. نکته جالب توجه این‌که به موجب این دکترین، مسئولیت مواجهه با مناقشات و درگیری‌های داخلی که در گذشته در اختیار وزارت کشور بود به نیروهای مسلح واگذار گردید. تهدیدات داخلی شش‌گانه روسیه به شرح زیر است:
- براندازی نظام حکومتی
 - فعالیت بنیادگرایان مذهبی، ملی‌گرایان افراطی و جدایی‌طلبان، با هدف اثرگذاری بر یکپارچگی سرزمین روسیه
 - برنامه‌ریزی، آماده‌سازی و اجرای عملیات با هدف ایجاد اختلال در ساختار قدرت کشور

- شکل‌گیری، تجهیز و توسعه گروه‌های مسلح غیرقانونی
 - توزیع و قاچاق غیرقانونی تسلیحات، مهمات و سایر وسایل نظامی که می‌توانند در عملیات خرابکارانه به‌کار گرفته شوند
 - جنایات سازمان‌یافته، قاچاق و سایر فعالیت‌های تهدیدکننده امنیت نظامی
- بخش عمده‌ای از دکترین نظامی روسیه به توضیح مفاهیم، اهداف، روش‌ها و اولویت‌های حراست از امنیت نظامی پرداخته و در حقیقت ریز اولویت‌های توسعه و سازماندهی ارتش را معین می‌کند. براساس این دکترین، سیاست اصلی روسیه احترام متقابل به جامعه جهانی، توسعه همکاری‌های دفاعی در سطح جهان به‌ویژه در سطح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، انعقاد پیمان نظامی با روسیه سفید، حفظ قدرت بازدارنده اتمی و احترام به توافق‌نامه‌های خلع سلاح به‌منظور حراست از امنیت نظامی در سطح جهان است. هم‌چنین تسلیحات هسته‌ای و زرادخانه اتمی روسیه به‌عنوان عاملی جهت حفظ صلح و ثبات بین‌المللی در سراسر جهان تلقی گردیده و از آن به‌عنوان ابزاری بازدارنده یاد می‌شود.

روس‌ها اصول اساسی حراست از امنیت نظامی را تمرکز رهبری، پیش‌بینی مؤثر تهدیدات، اختصاص منابع و نیروی کافی، حفظ درجه خاصی از توان نظامی و جلوگیری از وارد آمدن به فضای امنیت نظامی جهان بر می‌شمارند. این دکترین راه‌کارهای حراست از امنیت نظامی را به دو دوره صلح و جنگ تقسیم‌بندی نموده است. مفاد این راه‌کارها در زمان صلح عبارتند از:

- اتخاذ سیاست واحد و مستقل دفاعی
- حفظ ثبات سیاسی داخلی
- توسعه همکاری‌های دوستانه با همسایگان
- ارتقای قابلیت‌های نظام دفاعی کشور
- ارتقای کیفی توان نظامی و آمادگی رزمی

- آماده‌سازی سازوکار انتقال وضعیت از حالت صلح به جنگ
- ارتقای اقتصادی و فنی صنایع دفاعی
- حفاظت از منافع نظامی روسیه در دریاهای آزاد، فضا و کشورهای

خارجی

- در صورت لزوم پشتیبانی دفاعی از تصمیمات سیاسی
 - آمادگی دفاع شهری و سرزمینی
 - حفاظت از شهروندان روسی در مقابل تهدیدات نظامی
 - ارتقای سطح فرهنگ دفاعی عموم مردم
 - کنترل حسن اجرای پیمان‌نامه‌های نظامی
 - آمادگی برای شرکت در عملیات صلح‌بانی
- اما مهم‌ترین راه‌کارهای حفاظت از امنیت نظامی در زمان آغاز درگیری و جنگ عبارتند از:

- اعلام به‌موقع وضعیت جنگی
 - هماهنگی فعالیت‌ها و قانونمند ساختن تحرکات ساختار قدرت
 - اتخاذ تصمیمات و اجرای به‌موقع آنها
 - تغییر وضعیت اقتصادی، صنعتی، ترابری، اطلاعاتی و ارتباطی کشور از حالت صلح به وضعیت جنگی
 - اعمال صحیح راه‌کارهای دفاع شهری و سرزمینی
 - همیاری و کمک به متحدان روسیه
 - ممانعت از هم‌پیمانی کشورهای دیگر با دشمن
 - بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی
- برای فرو نشاندن آتش جنگ روس‌ها در تعریف سازمان دفاعی کشورشان، نیروهای مسلح را در مرکز قرار داده، صنایع و مجتمع‌های علمی، نیروهای شبه نظامی و امنیتی و فرماندهی

و کنترل را نیز بخشی از آن می‌دانند. بر این اساس، توسعه‌ی سازمان دفاعی مزبور طبق اصول زیر صورت خواهد پذیرفت:

- توسعه براساس تحلیل‌های علمی دقیق در حوزه نظامی - سیاسی
- تمرکز رهبری
- اعمال فرماندهی واحد بر پایه قانون
- رعایت موازنه میان آمادگی رزمی نیروها (آموزش، فرماندهی و کنترل، ساختار، قدرت جنگی، نیروهای ذخیره، و پشتیبانی) و مأموریت نیروهای نظامی با توجه به محدودیت‌های اقتصادی کشور
- وحدت در آموزش
- حفظ حقوق کارکنان نظامی و رعایت حداقل استانداردهای معیشتی برای آنها

مهم‌ترین اولویت‌های توسعه مجموعه دفاعی روسیه عبارتند از:

- ایجاد سامانه یکپارچه فرماندهی و کنترل کشوری و اطمینان از عملکرد صحیح آن
- بهبود کارایی نیروهای راهبردی به منظور کسب بازدارندگی راهبردی
- وجود نیروهای ویژه با بالاترین سطح آمادگی رزمی جهت انجام مأموریت‌های عمومی

دکترین روس‌ها، مسئولیت کامل فرماندهی و کنترل را متوجه رئیس‌جمهور ساخته و او را فرمانده کل قوا می‌خواند، ضمن این‌که سایر دستگاه‌های اجرایی را موظف می‌کند که نسبت به تأمین و تجهیز نیروهای مسلح کشور مطابق وظایفشان در قانون اساسی به بهترین شکل اقدام نمایند. وزارت دفاع نیز به‌عنوان مسئول اصلی سیاست‌های دفاعی کشور شناخته می‌شود، به‌نحوی که موظف است فعالیت تمامی عناصر ساختار قدرت را در حوزه دفاع هماهنگ سازد، مفاهیم و مدل توسعه سازمانی قوای نظامی را ارائه دهد، مبادرت به سفارش تجهیزات و

ادوات نظامی نماید، به کمک سایر سازمان‌های مرتبط، مدل جنگ‌های آینده و نحوه مبارزه در میدان رزم را تعیین نموده و مطابق برنامه‌های تسلیحاتی مصوب، اقدام به تجهیز قوا نماید.

ستاد کل نیروهای مسلح نیز ارگان اصلی فرماندهی و کنترل عملیاتی روسیه است که وظیفه سازماندهی و هماهنگی نیروهای مسلح و سایر نیروهای نظامی در اجرای صحیح مأموریت‌هایشان را برعهده دارد.

فرماندهی نیروهای مسلح (نیروی زمینی، هوایی و دریایی) موظف به اجرای برنامه‌های مصوب توسعه سازمانی، به‌کارگیری ظرفیت‌های نیرو، آموزش و بسیج عملیاتی نیرو، تهیه ادوات و تجهیزات، اعمال فرماندهی و کنترل، هدایت امور جاری و توسعه زیرساخت‌ها و سامانه‌های مادر در سطح نیرو است.

فرماندهان مناطق نظامی (فرماندهی عملیاتی - راهبردی) موظف به اعمال فرماندهی و کنترل بر گروه‌ها و واحدهای نظامی تحت امر خود هستند. برنامه‌ریزی و سازماندهی عملیاتی نیروها، آموزش، آماده‌سازی و حراست از امنیت نظامی در حوزه مأموریت محوله به آن‌ها نیز از جمله وظایف این فرماندهان است.

در راستای اجرای نظریه رهبری مرکزی که در این دکترین به کرات بدان اشاره شده است، تئورسین‌های روسی به برنامه‌های عملیاتی و راهبردی یکپارچه‌ای اشاره دارند که توسعه‌ی نیروهای مسلح را با توجه به اهداف از پیش تعیین شده در سه مدل برنامه‌های بلندمدت (۱۵-۱۰ ساله)، میان‌مدت (۵-۴ ساله) و کوتاه‌مدت (۲-۱ ساله) محقق می‌سازد.

اصول نظامی - راهبردی

در دکترین نظامی روسیه، ماهیت جنگ برحسب سه مؤلفه اهداف نظامی - سیاسی، ابزارهای دستیابی به آن اهداف و مقیاس عملیات نظامی مشخص

می‌گردد. اهداف نظامی - سیاسی یا حائز مشروعیت هستند یا فاقد آن، که دکترین مورد اشاره مفهوم هر یک را به دقت تعریف می‌کند. روس‌ها ابزارهای دستیابی به هدف را نیز به دو جنگ متعارف و غیرمتعارف (اتمی) دسته‌بندی کرده و مقیاس را نیز در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و گسترده می‌دانند.

جنگ‌های داخلی به دلیل شورش گروه‌های مسلح محلی رخ داده و در آن اهداف نظامی - سیاسی محدودی مورد نظر است. درحالی‌که جنگ‌های منطقه‌ای می‌توانند ناشی از درگیری دو یا چند کشور در یک منطقه جغرافیایی خاص یا توسعه جنگ داخلی باشند که امکان استفاده از هر گونه سلاح متعارف یا نامتعارفی در آن محتمل است.

جنگ‌های گسترده می‌توانند ناشی از تشدید مسابقات تسلیحاتی (رو به وخامت گذاشتن)، تشدید جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای، و یا درگیری میان تعداد زیادی از کشورهای جهان واقع در مناطق مختلف باشد. احتمال تبدیل جنگ‌های گسترده‌ای که تسلیحات متعارف در آن‌ها به کار رفته است به جنگ‌هایی با ماهیت اتمی، بسیار بالاست. در جنگ‌های گسترده عموماً اهداف رادیکال مورد توجه ملت‌ها بوده و سیاستمداران در دستیابی به آن‌ها از تمامی ظرفیت خود در بالاترین حد ممکن بهره می‌گیرند.

روسیه جنگ‌های مدرن را دارای برخی ابعاد ویژه و انحصاری می‌داند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- اثر همه‌جانبه بر فعالیت‌های انسانی
- ماهیت ائتلافی
- استفاده فراوان از عملیات غیرمستقیم و غیرسستی بدون تخریب که از

- ویژگی درگیری مؤثر از راه دور برخوردارند، مانند درگیری الکترونیکی^۱
- تمایل شدید طرفین به ایجاد اختلال در فرماندهی و کنترل دشمن
- استفاده از تسلیحات فوق پیشرفته (از قبیل تسلیحات ساخته شده به کمک قوانین جدید فیزیکی)
- عملیات فوق مانورپذیر در مناطق مختلف با کاربرد گسترده نیروهای ویژه هوابد
- تهاجم علیه خطوط پشت جبهه، زیرساخت‌های اقتصادی و ابزارهای ارتباطی
- به‌کارگیری وسیع عملیات هوایی در نابودی نیروگاه‌های برق و انرژی، کارخانجات شیمیایی و مواد خطرناک، زیرساخت‌های ارتباطی و حیاتی
- احتمال مداخله طرفین دعوی جدید در جنگ‌های جاری و گسترش مقیاس درگیری
- جنگ نامتقارن

به کمک این تعاریف و مفاهیم عمومی، این دکترین بیان می‌کند که در صورت حمله مستقیم علیه سرزمین روسیه یا به‌منظور دفاع در برابر تحرکات نظامی غیرقانونی که تمامیت ارضی یا حرمت سرزمین روسیه را به‌خطر اندازد، نیروهای مسلح روسیه به اقدام نظامی متوسل خواهند شد. در نیل به این هدف پنج‌گونه عملیات اصلی به شرح ذیل اجرا خواهد شد:

- عملیات راهبردی در جنگ‌های منطقه‌ای و گسترده
- عملیات رزمی در درگیری‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی
- عملیات ویژه مشترک در جنگ‌های داخلی
- عملیات ضدتروریستی مطابق قوانین فدرال روسیه

1 - Dalnego gonevogo Elektronnogo Porazheniya

- عملیات حافظ صلح

در دکترین نظامی روسیه مطابق عملیات‌های فوق حداقل ۳۴ مأموریت اصلی پیش‌بینی شده که اشاره مستقیم به تقویت سامانه پدافند هوایی یکپارچه تحت یک فرماندهی مرکزی، دفاع شهری، امنیت اطلاعات و حفظ خطوط ارتباطی جلب توجه می‌نماید.

یکی از اقدامات مهم و با اولویت بالا که نیروهای نظامی روسیه موظف به انجام آن هستند، استقرار در پایگاه‌ها و مناطق نظامی خاص مطابق توافق‌نامه‌های بین‌المللی یا دو طرفه است که نحوه استقرار به‌طور دقیق در دکترین مشخص شده است. ضمن این‌که تأکید مضاعف بر همکاری با کشورهای مشترک‌المنافع به‌منظور گسترش حضور نظامی روسیه در این مناطق، نشان از سیاست خارجی جدید روسیه مبنی بر توجه بیش‌تر این کشور به حریم خصوصی یا به اصطلاح حیاط خلوت خود است. در این میان تأکید ویژه بر لزوم شکل‌گیری یک سیاست واحد دفاعی با بلاروس جلب توجه می‌کند.

اصول نظامی - اقتصادی

از جمله بخش‌های حساسی که در دکترین نظامی روسیه مورد توجه قرار گرفته است، شفاف‌سازی اهداف اقتصادی و نیازهای مالی نیروهای مسلح است. مهم‌ترین موضوعاتی که در بندهای اقتصادی دکترین نام برده شده‌اند عبارتند از:

- تضمین تأمین به‌موقع و کامل منابع مالی
- بهینه‌سازی مدل هزینه
- تضمین حقوق معنوی محصولات و فناوری‌های تسلیحاتی
- یکپارچه‌سازی اقتصاد نظامی و غیرنظامی کشور و هماهنگ‌سازی کلیه فعالیت‌های مالی در حوزه دفاع
- ایجاد زیرساخت‌های ضروری حفاظت از امنیت نظامی کشور

- ارتقای سطح رفاه اجتماعی و جایگاه نیروهای مسلح در جامعه
 - اطمینان از کارکرد صحیح مکانیزم‌های تبدیل اقتصاد کشور از حالت صلح به حالت جنگ
 - توسعه و ساخت انبارهای ذخیره راهبرد مواد اولیه
 - ارتقای همکاری‌های متقابل بین‌المللی در زمینه‌های نظامی - فنی
 - عمل به تعهدات روسیه در حوزه نظامی - اقتصادی مطابق پیمان‌نامه‌های جهانی از میان مجموعه مأموریت‌های یاد شده، تأمین منابع مالی سه اولویت خاص مدنظر قرار گرفته است که عبارتند از:
 - تأمین منابع مالی جهت به‌روز سازی نیروهای راهبردی و متعارف
 - تأمین منابع مالی ساخت تجهیزات فرماندهی و کنترل پیشرفته و استاندارد، تجهیزات کنترل سلاح، ارتباطات، خبرگیری و جاسوسی، سامانه‌های هشدار زود هنگام، جنگ الکترونیک، بمب‌های اتمی کوچک و سامانه‌های پشتیبانی از تصمیم‌گیری
 - تأمین منابع مالی جهت ارتقای وضعیت معیشتی پرسنل نظامی
- در آخرین بند اصول نظامی - اقتصادی که به‌نوعی ختم دکترین نیز محسوب می‌گردد، چگونگی مشارکت روسیه در همکاری‌های نظامی بین‌المللی مشخص شده است. طبق این دکترین، روسیه مطابق منافع ملی خود و با توجه به معادلات توازن قوا همکاری‌های نظامی خود را ساماندهی می‌نماید. با این حال همکاری‌های نظامی بین‌المللی روسیه بر مبنای حقوق برابر، سود متقابل، همسایگی، حفظ منافع جهانی و منطقه‌ای و برپایه اولویت‌های اقتصادی صورت خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در این مقاله گفته شد، دکترین در روسیه به‌معنای بیانیه رسمی

حکومت جهت تبیین برخی از مهم‌ترین مسائل امنیتی کشور است. اولین پرسشی که در این راستا می‌باید بدان پاسخ گفت این است که آیا دکترین‌های نظامی روسیه تا کنون اثربخش بوده‌اند و به بیان ساده‌تر آیا دکترین‌های مزبور در توسعه نیروهای مسلح این کشور به کار بسته شده‌اند؟ این پرسش را می‌توان بر مبنای دو شاخص اصلی برنامه‌های اصلاحات و عملکرد رزمی ارتش روسیه پاسخ گفت. برنامه‌های اصلاحات ارتش روسیه در دو دوره طی سال‌های ۹۹-۱۹۹۱ به رهبری یلتسین و ۲۰۰۷-۲۰۰۰ به رهبری پوتین به اجرا درآمد. روند اصلاحات در دوره اول به شدت تحت تأثیر وقایع سیاسی، بی‌ثباتی عمومی، ناتوانی فردی مسئولین و بحران‌های مالی و اجرایی قرار داشته و از طرح و نظام جامع و یکپارچه بی‌بهره است و در حد شعارهای سیاسی یا مباحث کارشناسی باقی ماند.^(۲۲) بر این اساس، می‌توان دوره اول اصلاحات را که در واقع دوره اجرایی دکترین سال ۱۹۹۳ محسوب می‌گردد ناموفق ارزیابی نمود. در دوره دوم و با هدایت ولادمیر پوتین، مسیر اصلاحات به شدت دچار تغییر و تحول گردید. در این دوره وضعیت سیاسی و ساختار قدرت در روسیه از ثبات قابل قبولی برخوردار شد و بحران‌های مالی سال‌های گذشته مرتفع گردید. در عین این که تجربه جنگ اول و دوم چین، هم‌چنین حضور آمریکا در پاکستان، افغانستان و عراق الزامات جدیدی را بر سیاست‌مداران روس تحمیل نمود. مجموعه این عوامل به همراه همگرایی و همسویی بیش‌تر رئیس‌جمهور با دستگاه‌های امنیتی و نظامی، موفقیت طرح‌های اصلاحات را بالا برد.^(۲۳) اصلاحات در این دوره در سطح عملیاتی بر مبنای پنج محور اصلی شامل حرفه‌ای‌سازی، مدرن‌سازی، تقویت منابع مالی، توسعه نظام تحقیقات دفاعی و اعمال تغییرات ساختاری صورت پذیرفت. تقریباً با درصد خطایی اندک، این محورها در راستای دکترین سال ۲۰۰۰ تنظیم گردیدند و این امر سبب شد که دکترین سال ۲۰۰۰ تا میزان قابل توجهی اجرایی گردد. تحلیل شاخص دوم یعنی عملکرد ارتش روسیه نیز مؤید

این است که دکترین سال ۲۰۰۰ تا حد قابل قبولی به مرحله اجرا نزدیک شده است. برنامه‌های دفاعی و نحوه تخصیص بودجه دفاعی در سال‌های اخیر، عملیاتی شدن دکترین ۲۰۰۰ را نوید می‌دهد. تخصیص بودجه به صنایع ساخت هواپیماهای راهبردی (Tu-160)، صنایع موشکی و اتمی، اجرای موفقیت‌آمیز مجموعه مانورهای Zapad طی سال‌های ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۵ (از جمله Zapad 2002 و Zapad99 که به شبیه‌سازی حمله روسیه به اروپا و آمریکا در یک جنگ محدود منطقه‌ای پرداخت) نشانه‌هایی از تحقق دکترین هستند. (۲۴)

یکی از نقاط قوت نیروهای مسلح روسیه که در اجرای دکترین‌های نظامی این کشور مؤثر بوده است، تاریخی بودن مبحث دکترین و درک مفهوم آن در قالب یک ادبیات مشترک توسط تمامی نیروهاست. از آن‌جا که دکترین در روسیه یک مفهوم وارداتی نبوده و به صورت بومی توسعه یافته، به یک فرهنگ مشترک همگانی مبدل گردیده است و همگان برداشت واحدی از آن دارند. بر این اساس، دکترین حرف آخر را در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دفاعی بیان می‌کند. با این حال، بزرگ‌ترین ضعف فرایندهای دکترینی روسیه، نبود یک نظام اجرایی مشخص است؛ به طوری که هیچ سازمان یا مسئول واحدی طی برنامه‌های اجرایی مدون اجرای دکترین‌ها را ضمانت نمی‌نماید. از این رو، اجرایی شدن دکترین بنا به وضعیت و شرایط مختلف تفاوت می‌کند. در حالی که در کشورهایی هم‌چون آمریکا، در نظر گرفتن ساختار و متولی مشخص که اقدام به تدوین و جاری‌سازی دکترین در سازمان می‌نماید سبب گردیده است که اجرایی شدن دکترین‌ها تا میزان قابل قبولی تضمین گردد. در روسیه به هیچ‌وجه شاهد نظامات پیچیده دکترین نویسی نظیر آمریکا نیستیم. در مجموع، به دلیل غنای دانشی این کشور در مباحث مربوط به دکترین، بایسته است مطالعات دقیق‌تری در خصوص الگوی تدوین و نحوه نیل به اجماع در فرایند تدوین دکترین در روسیه صورت پذیرد.

پی‌نوشت

- 1 - *“Military Doctrine in National Defense System”*, Military Thought, 2007.
- 2 - Ibid.
- 3 - Willard, Frank; Gillete, Philip; *“Soviet Military Doctrine from Lenin to Gorbochev 1975 – 1991”*, West port, Greenwood. Press, 1993.
- 4 - Sidorov, P., *“Foundation of Soviet Military Doctrine”*, SMR, Vol 1-9 , 1972.
- ۵ - دیوسالار، عبدالرسول، *“راهبردها و معماری کلان فرماندهی و کنترل در روسیه”*، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۵ به نقل از *“Koslov , S.N.(ed) , The fficer’s Hand book”*.
- 6 - Gareev, M.A., *“Russia's New Military Doctrine: Structure, Substance”*, Military Thought, Jun 2007.
- 7 - Boll, Micheal M ., Holcmob, Jmaes, *“Russia's New Doctrine: Two Views”* , US Army Strategic Studies Institute , 1994.
- 8 - Grechko , A.A. , *“Na Strazhe Miro i Stroitel'stra Kommunizma”* , Moscow, Voenizdat , 1976.
- ۹ - خانی، عبدالله، *“نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی”*، جلد ۱، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۰ - دیوسالار، عبدالرسول، همان منبع.
- ۱۱ - دیوسالار، عبدالرسول، *“مقدمه‌ای بر ماهیت شناسی دکترین”*، مرکز علوم دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۶.
- ۱۲ - دیوسالار، عبدالرسول، همان منبع.
- ۱۳ - فولادی، قاسم، *“مبانی دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران”*، منتشر شده، مرکز آینده

پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۶.

- 14 - De Hass, Marcel, "*The Development of Russia's Security Policy, 1992-2002*", h.1 in "Russian Military Reform 1992 – 2002", Uk Defense Academy, Frank ass Ltd., London, 2003.
- 15 - Armstrong, Patrick, "*Russia's New Military Doctrine*", anadaian Military Journal, 2000.
- 16 - hernov, Vladislav, "*Significance of the Russian Military*", omparative Strategy, Vol 13, Issue 2, 1994.
- 17 - De Hass, Marcel, "*Russia's Upcoming Revised Military Doctrine*", PINR, 2007.
- 18 - "*Russia Revises Military Doctrine to Reflect Global Chonges*", Ria Novosti, Mor, 2007.
- 19 - Kalikh, Andrei, "*Nezavismoe Voennoe Oborzene*", March 2007.
- 20 - Levshin, V. , Nedelin, Sosnovskiy, "*O primeneni Yadernogo Oruzhiya Diga Deeskalatsil Voennykh Deystviy*", Voennaya Mysl, Vol 3, 1999.
- 21 - Voennaya Doktrian Rossiyskoy Federatsii, Nezavisimoye Vogennoye borzreniy, 1999.
- ۲۲ - دیوسالار، عبدالرسول، همان منبع.
- ۲۳ - دیوسالار، عبدالرسول، همان منبع.
- 24 - Sokov, Nikolai, "*Overview: An Assessment of the Draft Russian Military Doctrine*", enter for Non Proliferation Studies, IIS, anada, 1999.

